

Islamic Knowledge and Insight

A Novel Idea in Analyzing the Character of Hazrat Abul-Fadl (AS) through Michael Riffaterre's Semiotic Approach in the Poem Rāz-e Rashid by Seyyed Hassan Hosseini

1. Sakineh Mahdavi Kelatehno^{ID}: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran.

2. Mahmoud Firouzi Moghaddam*^{ID}: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran (firouzimoghaddam@gmail.com).

3. Mehyar Alavi Moghaddam^{ID}: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

4. Ali Sadeghi Manesh^{ID}: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

Abstract

Hazrat Abul-Fadl (AS) is a symbol of self-sacrifice, devotion, and loyalty in Islamic history. Semiotic criticism is one of the systematic approaches for analyzing the nature and function of literary texts, through which the prominent characteristics of Hazrat Abul-Fadl's (AS) character can be portrayed. Michael Riffaterre, a French-born American critic, introduced a semiotic framework for the analysis of poetry in his book *Semiotics of Poetry* (1978), which has been widely utilized. In this approach, poems are initially analyzed from two perspectives: the perceptive reading and the implicit reading. In the first stage, the search for meaning is undertaken, while in the second stage, attention is given to linguistic connotations. After identifying non-grammatical elements, the hidden and internal relationships between the parts of the text are explained through accumulations and descriptive systems. Then, the reader delves into lexical and conceptual associations or key themes, eventually arriving at the structural network of the poem. In *Rāz-e Rashid*, after analyzing the non-grammatical elements, accumulations related to nature, body parts, and descriptive systems can be found that clearly manifest the character of Hazrat Abul-Fadl (AS). Traits such as self-sacrifice, devotion, loyalty, and resistance to hardships are depicted in this poem, and through semiotic connotations, a clear image of Hazrat Abul-Fadl's (AS) character and the profound concepts of love and sacrifice is created.

Keywords: *Semiotics, Michael Riffaterre, Rāz-e Rashid.*

معرفت و بصیرت اسلامی

ایده نوین در بررسی شخصیت حضرت ابوالفضل (ع) به شیوه نشانه‌شناختی مایکل ریفاتر در شعر راز رشید سید حسن حسینی

۱. سکینه مهدوی کلاته‌نو^{ID}: دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

۲. محمود فیروزی مقدم^{ID}: استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران (firouzimoghaddam@gmail.com).

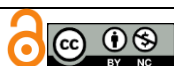
۳. مهیار علوی مقدم^{ID}: دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

۴. علی صادقی منش^{ID}: استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

چکیده

حضرت ابوالفضل (ع)، نماد ایثار، فداکاری و وفاداری در تاریخ اسلام است. نقد نشانه‌شناختی یکی از رویکردهای نظام‌مند برای تحلیل ماهیت و کارکرد متون ادبی است که می‌توان از طریق آن ویژگی‌های برجسته شخصیت حضرت ابوالفضل (ع) را به نمایش گذاشت. مایکل ریفاتر، منتقد فرانسوی تبار آمریکایی، در کتاب *نشانه‌شناسی شعر* (۱۹۷۸) چارچوبی نشانه‌شناختی برای تحلیل شعر معرفی کرد که به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت. در این رویکرد، اشعار ابتدا از دو منظر خوانش دریافتی و خوانش ناپویا بررسی می‌شوند؛ در مرحله اول، به جستجوی معنا و در مرحله دوم، به دلالت‌های زبانی توجه می‌شود. پس از شناسایی عناصر غیردستوری، ارتباط پنهان و درونی اجزای متن در قالب انباشت‌ها و منظومه‌های توصیفی تبیین می‌شود. سپس، خواننده به تداعی‌های واژگانی و مفهومی یا موضوعات کلیدی پرداخته و در نهایت به دریافت شبکه ساختاری شعر می‌رسد. در شعر *راز رشید* سید حسن حسینی، پس از تحلیل عناصر غیردستوری، می‌توان به انباشت‌های طبیعت، اعضای بدن و منظومه‌های توصیفی دست یافت که به وضوح شخصیت حضرت ابوالفضل (ع) را تجلی می‌دهند. ویژگی‌هایی چون ایثار، فداکاری، وفاداری و مقاومت در برابر سختی‌ها در این شعر نمایان شده‌اند و از طریق دلالت‌های نشانه‌شناختی، تصویری روشن از شخصیت حضرت ابوالفضل (ع) و مفاهیم عمیق عشق و فداکاری در شعر ایجاد می‌شود.

کلیدواژگان: نشانه‌شناسی، مایکل ریفاتر، راز رشید.



How to cite: Mahdavi Kelatehno S, Firouzi Moghaddam M, Alavi Moghaddam M, Sadeghi Manesh A. (2024). A Novel Idea in Analyzing the Character of Hazrat Abul-Fadl (AS) through Michael Riffaterre's Semiotic Approach in the Poem Rāz-e Rashid by Seyyed Hassan Hosseini. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(4), 12-22.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 2024/10/22

Revise Date: 2024/12/03

Accept Date: 2024/12/25

Publish Date: 2025/02/13

شیوه استناددهی: مهدوی کلاته‌نو، سکینه، فیروزی مقدم، محمود، علوی مقدم، مهیار. صادقی منش، علی. (۱۴۰۳). ایده نوین در بررسی شخصیت حضرت ابوالفضل (ع) به شیوه نشانه‌شناختی مایکل ریفاتر در شعر راز رشید سید حسن حسینی. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۲(۴)، ۱۲-۲۲.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC)

4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵

مقدمه

حضرت ابوالفضل (ع)، نماد بزرگترین فداکاری، ایثار و وفاداری در مسیر حق و دفاع از اصول انسانی است. نقد نشانه‌شناختی یکی از رویکردهای نظام‌مند برای تحلیل ماهیت و کارکرد متون ادبی است که می‌تواند ویژگی‌های برجسته شخصیت حضرت ابوالفضل (ع) را بهتر به نمایش بگذارد. در این رویکرد، از طریق دلالت‌های نشانه‌شناختی، تصویری روشن از شخصیت حضرت ابوالفضل (ع) و مفاهیم عمیق عشق و فداکاری ارائه می‌شود.

نشانه‌شناسی به مطالعه رابطه میان دال‌ها و مدلول‌ها پرداخته و دایره شناخت آن بر نظام‌های ارتباطی شکل می‌گیرد. از میان تعاریفی که برای نشانه‌شناسی ارائه شده، دو تعریف زیر می‌تواند آغازگر نوشته حاضر باشد. پیرگیرو نشانه‌شناسی را علمی می‌داند که «به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رمزگان، نظام‌های علامتی و غیره می‌پردازد» (Giro, 2001). در دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، «نشانه‌شناسی مطالعه نظام‌مند تمامی عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا در فرآیند دلالت شرکت دارند» (Makaryk, 2004).

تأثیر نشانه‌شناسی بر مطالعات ادبی بیشتر معطوف به مطالعه ساختار متن است؛ از این رو، این رویکرد نظریه ادبی را از بررسی معنای متن به بررسی روابط موجود در متن تغییر می‌دهد و زمینه‌های تحلیلی نظام‌مندتر و موشکافانه‌تری را فراهم می‌کند (Barekat & Eftekhari, 2010). در این زمینه، پس از فردینان دوسوسور، صاحب‌نظران بسیاری به مطالعه و نظریه‌پردازی پرداخته‌اند. یکی از این افراد مایکل ریفاتر، منتقد فرانسوی تبار است که نظریه او به عنوان یکی از شیوه‌های نقد نشانه‌شناختی در اواخر قرن بیستم مورد توجه بسیاری از نقادان قرار گرفت.

نظریه ریفاتر بیشتر بر خواننده متمرکز است. او معتقد است که هر متنی دو لایه دارد: لایه سطحی و لایه عمیق یا ژرف ساخت که در آن دلالت‌های زبانی نهفته است. به گفته ریفاتر، هدف این است که خواننده با جستجو در لایه‌های دوم به دلالت‌های پنهان دست یابد و

به پیکره‌ای وحدت‌بخش در متن برسد. برخلاف یاکوبسن که تمرکز را بر پیام شعر می‌گذارد، ریفاتر تأکید بیشتری بر نقش خواننده دارد، زیرا او باور دارد که خواننده باید دلالت‌ها را کشف کند و این فرآیند جزء جدایی‌ناپذیر از تجربه ادبی است (Ahmadi, 2003).

نظریه ریفاتر بر تحلیل دقیق‌تر و عمیق‌تر عناصر ادبی متن و توانایی‌های خواننده در کشف و درک این عناصر تأکید دارد. این شیوه تحلیلی برای مطالعه ویژگی‌های خاص متون ادبی، به ویژه در شعرهایی مانند شعر راز رشید سید حسن حسینی که شخصیت حضرت ابوالفضل (ع) در آن تجلی یافته، بسیار مفید و مؤثر است.

مسئله تحقیق

شعر راز رشید سید حسن حسینی به عنوان اثری ادبی با دلالت‌های عمیق و نمادین، تصویری از شخصیت حضرت ابوالفضل (ع) را به نمایش می‌گذارد. آنچه می‌تواند به درک عمیق‌تر این مفاهیم و ویژگی‌ها کمک کند، تحلیل نشانه‌شناختی آن است. نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر با تمرکز بر روابط پنهان و دلالت‌های موجود در لایه‌های مختلف متن، می‌تواند رویکردی مؤثر برای تبیین این مفاهیم در شعر راز باشد. مقاله حاضر درصدد است تا به دو پرسش اصلی پاسخ دهد:

۱. آیا می‌توان رویکرد نشانه‌شناسی ریفاتر را به تحلیل شعر

راز رشید سید حسن حسینی به کار گرفت؟

۲. آیا این تحلیل نشانه‌شناختی می‌تواند به خواننده کمک

کند تا درک عمیق‌تری از مفاهیم شعر، به ویژه شخصیت

حضرت ابوالفضل (ع) و ویژگی‌های نهفته در آن، پیدا

کند؟

پیشینه تحقیق

در زمینه موضوع تحقیق کارهای بسیاری انجام شده است که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم.

نبی‌لو (۱۳۹۰) در مقاله «کاربست نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر

در تحلیل شعر ققنوس نیما» در این پژوهش با کشف شبکه ساختاری

رنج و اندوه مرگ اهمیت و مفهوم مرگ از دیدگاه شاعر، ناامیدی از اوضاع جامعه را نشان داده است (Nabilu, 2011).

آذر (۱۳۹۸) در مقاله "کاربست نظریه نشانه شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر شبی در حرم قدس" رهی معیری به نتایج زیر دست یافته است. در شعر رهی معیری، شاعر با مشکل مواجهه می شود؛ برای حل مشکل دست تمنا به سوی حضرت امام رضا(ع) بر می دارد و درخواستش اجابت می شود. در نتیجه شبکه ساختاری متن به سه دلالت راه می یابد. تمنای شاعر، اجابت آن و حل مشکل (Azar, 2019).

برکت و افتخاری (۱۳۸۹) با عنوان "نشانه شناسی شعر، کاربرد نظریه مایکل ریفاتر بر شعر مرز پرگهر فروغ" که به نتایج زیر منجر شده است. معنابن های فقر و بی فرهنگی، ابتذال و بی دزدی در نسبتی دو سویه با منظومه های توصیفی این شعر ماتریس "مضحکه مرگ" را آفریده است (Barekat & Eftekhari, 2010).

تبیین نظریه نشانه شناسی شعر مایکل ریفاتر

مایکل ریفاتر از نظریه پردازان مشهور آمریکایی فرانسوی تبار است که نظریه های نشانه شناسی و خوانش بینامتنی او بسیار مورد توجه قرار گرفته است. ریفاتر خوانش شعر را در دو سطح خوانش دریافتی و خوانش ناپویا مورد توجه قرار می دهد. در خوانش دریافتی به دریافت معنا منجر می شود و خوانش ناپویا به کشف دلالت های پنهان روی می آورد. خوانش دریافتی از بالا به پایین و خوانش ناپویا رویکرد رمز گشایانه دارد. "در مرحله دوم یا مرحله پس کنشانه قرائت شعر، که ریفاتر همچنین آن را تاویلی می خواند، خواننده ضمن به یاد آوردن آنچه در مرحله دریافتی خوانده بود، شروع به رمز گشایی از متن می کند." (Payandeh, 2008).

در این نوع خوانش ریفاتر، درک معنا را از دلالت های شعری جدا می کند. "ریفاتر بین معنی و دلالت در شعر تمایز قائل است و وظیفه منتقد را یافتن دلیل و بحث در مورد آن می داند... دلالت حاصل وحدت صوری و ماده شعر است که همه شاخص های زبان غیر مستقیم شعری را در بر می گیرد" (Payandeh, 2008).

در تمایز میان معنا و دلالت، او معتقد است توجه به درک معنا، شعر را در حد بیان خبر نگه می دارد، به نظر او "تلاش برای درک معنا موجودیت شعر را به زنجیره ای از گزاره ها تقلیل می دهد که تنها بیانگر اطلاعات و اخبار شعر است" (Riffaterre, 1987). ریفاتر در مقاله معنا شناسی متن، همچون یاکوبسن معتقد است، تمیز زبان شعر از زبان زندگی را می توان در ابهام معنایی شعر یافت. او نوشت که گزینش واحدهای معنایی در هر شعر، اساس دلالت را از میان می برد و این کنش، بی شک سازنده نظام دلالت چند معنایی است. به این اعتبار شعر، گذر از یک معنا به معناهای بی شمار است (Ahmadi, 2003).

همچنین دلالت در نظر ریفاتر شامل ویژگی هایی است که مانع ارائه مستقیم معنا می شود و دریافت معنای مستقیم را به تاخیر می افکند. این وحدت صوری و مضمونی را که در برگیرنده همه شاخص های پرهیز از ارائه مستقیم است دلالت نامیده می شود" (Riffaterre, 1987). تنها کسانی که صاحب توانش ادبی قابل باشد به درک دلالت های شعر هدایت می شوند. "به نظر می رسد که شعر معنا را فقط به صورت غیر مستقیم القا می کند و با انجام این کار بازنمایی ادبی واقعیت را تهدید می کند. درک معنای یک شعر فقط به توانایی زبانی نیاز دارد، اما در تفسیر یک شعر برای پرداختن به جنبه های غیر دستوری آن باید از توانش ادبی برخوردار بود. (سلدن، ۱۳۸۴: ۸۵) در مرحله خوانش ناپویا که به شناخت دلالت های شعر منجر می شود ریفاتر به بررسی فرایند غیر دستوری بودن و خروج از هنجارهای زبانی عطف توجه می کند و سپس فرآیندهای انباشت و منظومه های توصیفی را معرفی می کند. دلالت های شعر "از طریق فرآیندهایی چون انباشت و منظومه های توصیفی پدید می آیند" (Barekat & Eftekhari, 2010). خواننده در برخورد با نشانه های شعری، نخست می کوشد آن ها را به هیپوگرام تقلیل دهد. هیپوگرام ممکن است برخاسته از تداعی های ذاتی یا قراردادی باشد بنابراین با دو روش انباشت و منظومه های توصیفی قابل بازسازی است.

انباشت

هر کلمه از یک یا چند معنابن یا واحد کمینه معنایی پدید آمده است. "مثلاً تک واژه‌های پهن و باریک از حیث دارابودن دو معنا بن مکان‌بندی و بعدمندی با تک واژه‌های بلند و کوتاه شباهت دارند" (Makaryk, 2004). گاهی چند واژه به خاطر دارابودن یک معنا بن واحد گرد هم جمع می‌شوند. برای نمونه الفاظی مانند دست، پا، چشم، گوش و غیره دارای معنابن مشترک عضوبودن هستند و می‌توانند گرد این معنا بن جمع شوند. گرد همایی چند واژه که دارای معنابن مشترکی هستند انباشت نامیده می‌شوند. در واقع فرایند انباشت وقتی اتفاق می‌افتد خواننده با مجموعه کلماتی مواجه می‌شود که از طریق عنصر معنایی واحدی که به آن معنا بن مشترک می‌گوییم به هم مربوط می‌شوند (Barekat & Eftekhari, 2010). بنابراین نشانه شعری معنابن های نهفته در واژه را از طریق هیپوگرامی که به وسیله انباشت ایجاد شده است عینی می‌کند. معنابن ممکن است در متن حاضر باشد یا نباشد اما در هر صورت نشانه‌های شعری حاضر در متن را با آن معنایی نهفته اشباع می‌کند (Riffaterre, 1987).

منظومه توصیفی

به شیوه‌ای مشابه انباشت و برخی کلمات می‌توانند گرد هم آیند و مجموعه‌ای را بسازند که به آن منظومه توصیفی می‌گوییم. تنها تفاوت منظومه توصیفی با انباشت در این است که آحاد لغوی منظومه توصیفی بایکدیگر رابطه مجازی دارند یعنی ممکن است بر خلاف انباشت که رابطه‌ای مانند ترادف یا شمول‌زدگی موجب گردآمدن مجموعه‌ای از کلمات کنار یکدیگر می‌شوند. در مجموعه‌ای توصیفی رابطه‌ای مانند استعاره منجر به شکل‌گیری هیپوگرام می‌شود. در واقع منظومه توصیفی مجموعه‌ای از الفاظ را شامل می‌شود که همگی حول یک مفهوم خاص یا یک لفظ خنثی می‌گردد. لفظ هسته لفظی است که نقش آن به مثابه هسته از این حقیقت ناشی می‌شود که مدلول آن در بردارنده تمام الفاظ اقماری است (Riffaterre, 1987). به بیان ساده‌تر "در منظومه توصیفی رابطه هسته و اقمار رابطه‌ای مجازی است و ممکن است مفاهیم ناهمپایه را گرد هم جمع کند (Nabily, 2011). شعر مفاهیم و

موضوعات خود را به طور غیر مستقیم بیان می‌کند. به بیان دیگر "شعر چیزی را می‌گوید و چیز دیگری را افاده می‌کند." (Riffaterre, 1987).

نظریه شعری ریفاتر بر این اصل استوار است، به زعم وی، خواننده در تعامل دیالیتیک با اثر ممکن است متوجه شود که دلالت‌مندی اثر فراتر از معنای خطی آن است یعنی دلالت‌مندی اثر حاصل جمع تک تک معانی حاضر در متن نیست به بیانی دیگر، دلالت‌مندی اثر ادبی به شیوه‌های غیر مستقیم و غیر خطی عمل می‌کند و ممکن است با اسلوب‌های متفاوتی به دست آید. ریفاتر بیان غیر مستقیم را به طور کلی ذیل سه عنوان بررسی می‌کند.

جابجایی، کژدیدی و آفرینش معنا. این سه اگر به لحاظ نحوه عملکرد متفاوت هستند اما همگی بازنمایی ادبی واقعیت یا محاکات را تهدید می‌کنند و بدین سان فهم متن را به سطحی عالی‌تر موكول می‌کنند. منظور ریفاتر از جابجایی زمانی است که "نشانه از معنایی به معنای دیگر تغییر می‌کند یعنی لفظی به جای لفظ دیگر می‌نشیند. برجسته‌ترین نمود جابجایی را می‌توان در استعاره و مجاز دید." (Riffaterre, 1987).

کژدیدی زمانی روی می‌دهد که با "ابهام، تناقض یا بی‌معنایی رو به رو شویم. آفرینش معنا زمانی اتفاق می‌افتد که "فضای متنی به عنوان اصلی برای سازمان دهی معنا عمل می‌کند. در این حالت، آن دسته از آحاد زبان‌شناختی که به خودی خود دارای معنای خاصی نیستند طوری تفسیر می‌شوند که گویی یک نشانه هستند. (همان جا) نظام قوافی، واج آرای‌ها، تقارن‌های موجود در متن از این قبیل به شمار می‌روند. خواننده آگاه می‌داند که واج‌ها به خودی خود به معنای ویژه‌ای دلالت نمی‌کنند؛ اما نحوه سازمان دهی واج‌ها در متن ممکن است منجر به تشدید یا تقویت برخی معانی، یا اساساً منجر به آفرینش معانی بکر و تازه شوند (Riffaterre, 1987). از این مورد می‌توان به نمونه‌ای در شعر اشاره کرد.

تکرار صامت "ک" کنار درک تو کوه از کمر شکست به تعداد ۵ بار در این مصراع صدای شکستن را تقویت می‌کند به این ترتیب

می‌توان گفت با اینکه تکرار واج مورد نظر اگر چه به خودی خود به هیچ معنایی دلالت نمی‌کند اما نحوه تولید آن یادآور عمل شکستن و تشدید و تقویت این معنا است. چنین شکلی از آفرینش معنا از سازو کارهای فضای متنی به شمار می‌رود یعنی عناصر موجود در متن ممکن است به نحوی سازمان‌دهی شوند که معنای متفاوتی را به طور غیر مستقیم منتقل کنند.

پس از دریافت انباشت‌ها و منظومه‌های توصیفی شعر، خواننده یا مفسر باید به کشف تداعی واژگانی و مفهومی و در نهایت شبکه ساختاری شعر دست یابد. تداعی واژگانی و مفهومی (هیپوگرام) یک تصویر قالبی است که در ذهن خواننده وجود دارد و واژه و عبارتی در متن آن را تداعی می‌کند. تداعی واژگانی و مفهومی در واقع موضوع‌های کلیدی است که در متن شعر، بیانی گسترده و مکرر، یا غریب و ناآشنا دارد. "خواننده ضمن فرایند تفسیر، در مواجهه با موانع غیر دستوری ناگزیر است سطح دوم و عالی‌تری از معنا را آشکار سازد که جنبه‌های غیر دستوری متن را تبیین می‌کند. آنچه سرانجام باید کشف شود، یک ماتریس یا شبکه ساختاری است که می‌تواند به یک جمله یا حتی یک واژه کاهش یابد." (Seldon &

Widoson, 2005). شبکه ساختاری (matrix) واژه یا عبارت و جمله‌ای است بتواند به عنوان ریشه تداعی‌های واژگانی و مفهومی، متن شعر را بازنویسی کند. شبکه ساختاری ممکن است در متن وجود نداشته باشد. "این ماتریس را فقط به طور غیر مستقیم می‌توان استنتاج کرد زیرا به صورت یک کلمه یا یک جمله در شعر وجود ندارد، شعر از طریق روایت‌های بالفعل شبکه ساختاری، به صورت عبارت‌های آشنا، نقل قول‌ها یا تداعی‌های قرار دادی، یا شبکه ساختاری خود در پیوند است. این روایت‌ها هیپوگرام (تداعی واژگانی و مفهومی) نامیده می‌شود. شعر از طریق روایت‌ها با هیپوگرام‌ها (موضوعات کلیدی) با شبکه ساختاری خود در ارتباط است. همین شبکه ساختاری است که سرانجام به شعر وحدت می‌بخشد.

این فرایند تفسیر را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد.

۱- خواندن متن شعر برای دریافت معنای معمولی

۲- برجسته کردن عناصر غیر دستوری که مانع از تفسیر تقلیدی و معمولی می‌شوند.

۳- کشف هیپوگرام یا همان تداعی‌های واژگانی و مفهومی که در متن بیانی گسترده و یا ناآشنا پیدا کرده‌اند.

۴- از هیپوگرام‌ها (تداعی واژگانی و مفهومی)، ماتریس (شبکه ساختاری) را به دست آورید؛ یعنی یک جمله یا واژه را پیدا کنید که بتواند هیپوگرام‌ها و متن را تولید کند (Seldon & Widoson, 2005).

بر اساس آنچه گفته شد این جستار می‌کوشد الگوی نشانه‌شناسی ریفاتر را به طور جدی در خوانش شعر به کار گیرد. هدف از این پژوهش تحلیل دلالت‌مندی شعر به مثابه گفتمان است. اکنون با بهره‌گیری از این نظریه به واکاوی شعر راز رشید سید حسن حسینی می‌پردازیم و بیشتر بر خوانش ناپویا و نشانه‌شناسی لایه‌های درونی آن متمرکز می‌شویم. این نوع پژوهش‌ها می‌تواند ضمن معرفی نظریه‌های ادبی جدید، به شناخت جوانب مختلف شعر معاصر کمک کند و از طرفی نظام‌مند بودن و انسجام و نیز لایه‌های پنهان اشعار فارسی را نشان دهد.

بررسی شعر راز رشید سید حسن حسینی بر مبنای نظریه ریفاتر

ابتدا قبل از واکاوی و بررسی، به متن شعر راز رشید توجه می‌کنیم.

به گونه ماه

نامت زبازند آسمان‌ها بود

و پیمان برادری‌ات

با جبل نور

چون آیه‌های جهاد محکم

تو آن راز رشیدی

که روزی فرات

بر لب آورده

و ساعتی بعد

در باران متواتر فولاد

بریده بریده

می‌شود و در نهایت خواننده را قانع می‌کند که این شعر در یک تفسیر عادی محدود نمی‌شود و باید تاویل دیگری داشته باشد. ترکیباتی مانند راز رشید، جبل نور، ماه، زبانزد آسمان‌ها بودن، باریدن متواتر پولاد، بریده بریده شدن، افشا شدن، لب فرات، مشام خیمه‌گاه و شکستن کمر کوه بیان‌کننده عناصر غیر دستوری شعرند که شاعر در پس معنای ظاهری آن‌ها اغراض دیگری را دنبال می‌کند.

انباشت از نگاه ریفاتر، بررسی مجموعه کلماتی بودند که پی در پی گرد معنابن گرد هم می‌آیند. در شعر راز رشید می‌توان به دو انباشت با دو معنابن طبیعت و اعضای بدن دست یافت. هر کدام از این انباشت‌ها از واژگان و کلماتی پدید آمده‌اند که با معنابن خود رابطه تناسب دارند و در نهایت به مجموعه واحدی ختم می‌شوند. در انباشت اول کلمات ماه، آسمان، کوه، باران، باد، فرات و جبل نور رابطه تناسب دارند و در نهایت به مجموعه واحدی ختم می‌شوند. شاعر با استفاده از معنابن عناصر طبیعت معنای غیر از معنای ظاهری آن‌ها را بیان می‌کند.

افشا شدی

و باد

تو را به مشام خیمه‌گاه

در میان نهاد

و انتظار در بهت کودکانه حرم

طولانی شد

تو آن راز رشیدی

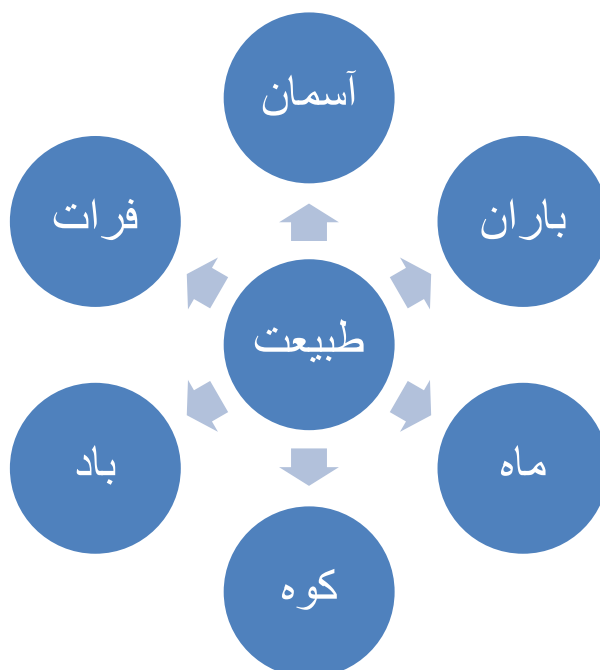
که روزی فرات

بر لب آورده

و کنار درک تو

کوه از کمر شکست.

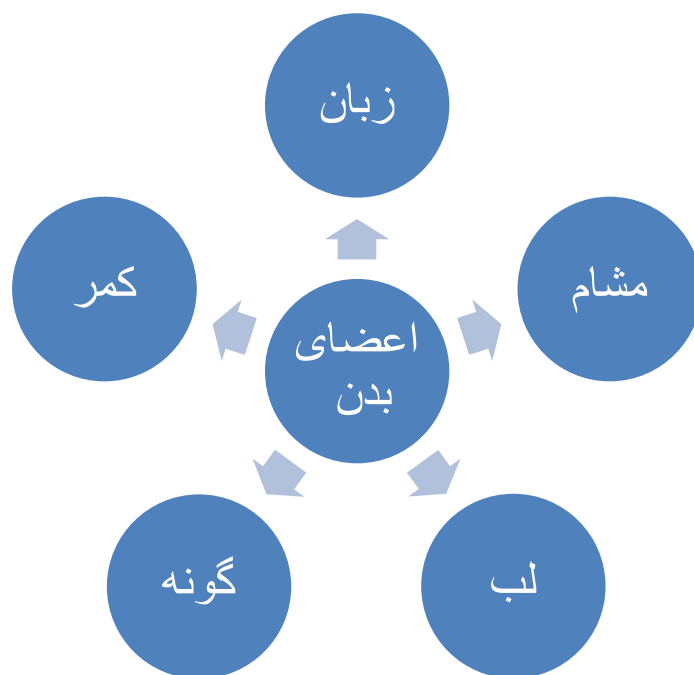
در این شعر راز رشید به ترکیبات و واژگانی بر می‌خوریم که نشان می‌دهد، غرض شعر فقط بیان معنای ظاهری نیست، بلکه هر کدام از ترکیبات به عنوان عناصر غیر دستوری می‌تواند ما را به ورای معنای سطحی متن هدایت کند. این امر مانع بازنمایی معنای واقعی در شعر



شکل ۱. شماتیک طبیعت

بیان مفهوم خاصی ایفای نقش می‌کنند. در این قسمت به نمایش این هیپوگرام می‌پردازیم.

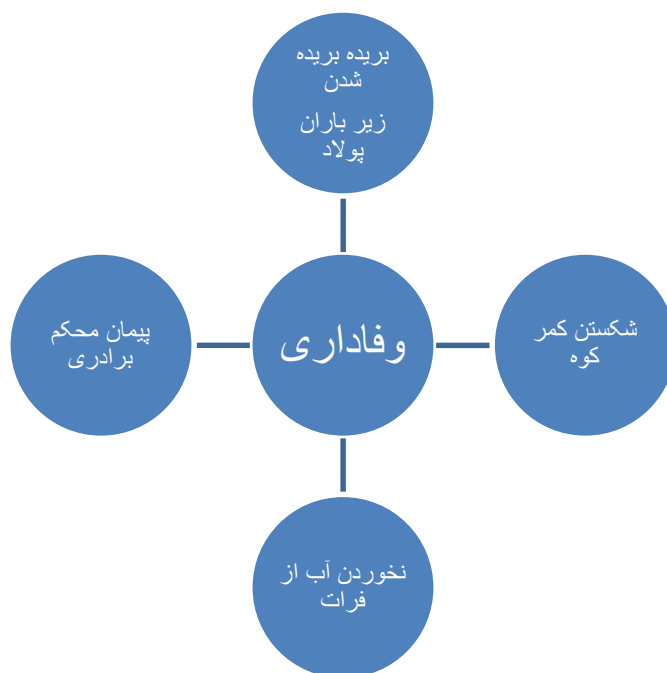
در انباشت دوم اعضای بدن به عنوان معنابن، محوریت پیدا کرده و واژگانی نظیر گونه، زبان، لب، مشام و کمر به عنوان عناصری برای



شکل ۲. شماتیک اعضای بدن

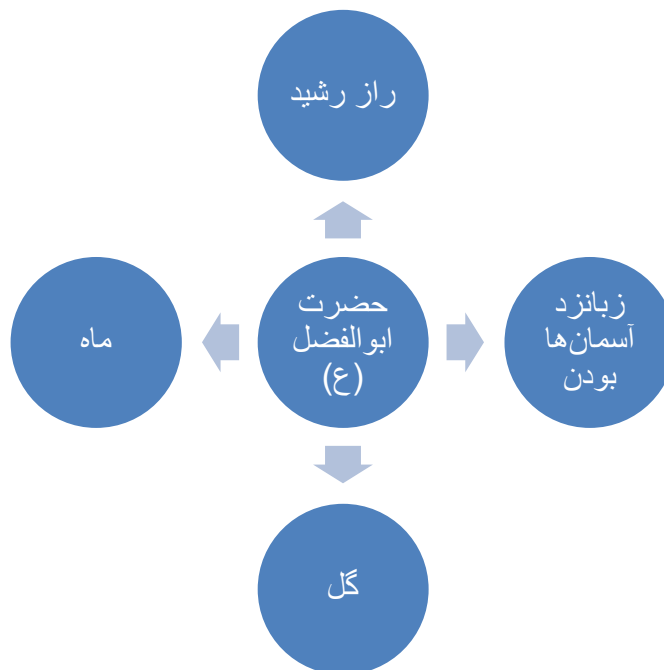
رابطه استعاری است و ممکن است مفاهیم نا همپایه‌ای را گرد هم جمع کند در شعر راز رشید دو منظومه توصیفی با هسته وفاداری و حضرت ابوالفضل (ع) دیده می‌شود. پیمان محکم وفاداری، نخوردن آب از فرات، بریده بریده شدن، شکستن کمر کوه و زبانزد آسمان ها شدن همه وفاداری و ایثار را بیان می‌کند.

شاعر در این کلمات، آن‌ها را به گونه‌ای به کار می‌برد که ساختار زبانی زیبایی داشته باشد. به گونه ماه / نامت / زبانزد آسمان‌ها بود. واژه گونه و زبان تناسب دارند به جای واژه مانند، بسان واژه گونه را به کار برده تا زیبایی و تناسب با دیگر واژه‌ها داشته باشد. در منظومه توصیفی با شبکه‌ای از واژه‌ها مواجه‌ایم که حول یک هسته می‌چرخند و فرقی با انباشت آن است که رابطه هسته و اقمارش



شکل ۳. شماتیک وفاداری

در منظومه توصیفی دوم که واژه‌هایی مانند ماه، گل که خوشبو است، راز رشید و زبانزد آسمان‌ها بودن استعاره از حضرت ابوالفضل (ع) است که شاعر با این واژه‌ها ویژگی‌های ایشان را توصیف کرده است.



شکل ۴. شماتیک نهایی تداعی واژگان

چنانچه در مقاله دیده شد نظریه نشانه‌شناسی ریفاتر ضمن توجه به جوانب مختلف ساختاری شعر یعنی انباشت، منظومه توصیفی، هیپوگرام و شبکه ساختاری برخی زوایای پنهان شعر را هویدا می‌کند و انسجام و طرح فکری و دلالت‌هایی که در پس معنای ظاهری شعر نهفته است با این الگو قابل تبیین است.

در شعر راز رشید ضمن بررسی عناصر غیر دستوری با محوریت عناصر طبیعت و اعضای بدن به منظومه توصیفی وفاداری و عشق می‌توان رسید. شاعر با استفاده از عناصر طبیعی و اعضای بدن به معنای باطنی راز انسانیت که همان ایثار، فداکاری و عشق است اشاره می‌کند و نمونه بارز آن را در حضرت ابوالفضل (ع) می‌یابد. در روایاتی به او قمر بنی هاشم می‌گویند، شاعر از این مقوله استفاده نموده و او را تشبیه به ماه آسمان‌ها کرده و همانطور که ماه در آن مشهور است ایشان نیز در بین زمینیان شهرت دارند. ایثار و فداکاری او به حدی است که با وجود تشنگی فراوان خود قصد خوردن آب نمی‌کند و فرات آب را به لب او می‌آورد و با این وجود او از خوردن

تداعی‌های واژگانی و مفهومی معمولاً موضوع‌های کلیدی است که در متن یا به شکل گسترده و مکرر بیان می‌شود و نشان دهنده تصویر خواننده از متن شعر است که ممکن است واژه‌ها یا عباراتی تداعی‌کننده آن باشند. در شعر راز رشید:

- ۱- شاعر در جستوی نمونه بارزی از وفاداری و عشق است.
 - ۲- شاعر نمونه‌ای بسیار کامل از عشق و وفاداری را بیان می‌کند.
 - ۳- شاعر وفاداری و عشق را راز انسانیت می‌داند.
- شبکه ساختاری در نگاه ریفاتر جمله و واژه‌هایی است که بتواند هیپوگرام‌ها و متن را تولید کند و سبب وحدت ساختار شود در شعر راز رشید می‌توان به شبکه ساختاری زیر دست یافت.
- “وفاداری، ایثار، عشق و فداکاری”
- شاعر با استفاده از عناصر طبیعت راز بزرگ انسانیت که همان وفاداری و عشق است را بیان می‌کند و نمونه بارز آن را در یک چهره جهانی و شناخته شده حضرت ابوالفضل (ع) نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

آب امتناع می‌کند. در راه وفاداری در زیر باران تیر بریده بریده می‌شود تا آب را به خیمه‌گاه برساند ولی موفق نمی‌شود. شاعر در قسمتی از متن شعر او را به گلی تشبیه می‌کند که باد بوی او را برای اهل خیمه می‌آورد. شدت حزن از دست دادن او به قدری زیاد است که برادرش امام حسین (ع) می‌فرماید کمرم شکست که شاعر این موضوع را به زیبایی در قسمت آخر شعر بیان می‌کند.

درون مایه و رابطه پنهانی در این شعر وفاداری، عشق و ایثار است. ماتریکس واحدی که تمام عوامل حول محور این پیام می‌چرخند. شاعر با استفاده از زیبایی‌های صوری و زبانی تصویرهایی ساخته تا معرف قهرمانانی باشند که شاعر، شعر یا اشعاری را ظرف معرفی او قرار داده است. مهارت شاعر در انتخاب شایسته تصویرها و واژگان در روند شکل‌گیری شعر چنان است که وقتی اثر خوانده می‌شود

function on two levels: a surface level, which conveys the apparent meaning, and a deeper, underlying level, where hidden significations are found. By applying Riffaterre's theory, this paper examines how the poem "Raaz Rashid" moves beyond its surface narrative of loyalty and sacrifice to uncover a more profound and symbolic representation of Hazrat Abu al-Fadl (AS). As Riffaterre suggests, it is through this deeper level of reading that readers are able to uncover the multilayered meanings embedded within the text, allowing them to experience the poem not just as a straightforward narrative but as a complex and intricate web of signs (Riffaterre, 1987).

One of the key elements in Riffaterre's semiotic analysis is the concept of "hypogram," which refers to the core image or theme that recurs throughout the text and shapes the reader's understanding of its deeper meanings. In "Raaz Rashid," the hypogram is centered around the themes of loyalty, sacrifice, and love, which are associated with the character of Hazrat Abu al-Fadl (AS). The poem uses a range of symbols and metaphors related to nature and the human body to convey these ideas. For example, words like "moon," "sky," "mountain," and "river" form a symbolic network that reflects the natural world and its connection to the character's virtues

قهرمان و صحنه به طور زنده در ذهن خواننده ترسیم و خواننده در متن حادثه قرار داده می‌شود. همه عناصر طبیعت دست در دست هم قرار دادند تا راز بزرگی و رشادت انسانی را آشکار کنند. لب فرات رشادت و ایثار تو را افشا کرد. باران پی در پی تیرها بدن مبارک او را قطعه قطعه کرد و بدین وسیله راز دلاوری و رشادت او را بر همگان آشکار کرد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

In the study of literature, the examination of character and symbolism plays a crucial role in understanding the depth and impact of literary works. This paper focuses on the symbolic representation of the character of Hazrat Abu al-Fadl (AS) through the use of semiotic analysis, particularly by applying the theoretical framework of Michael Riffaterre. Hazrat Abu al-Fadl, known for his unparalleled loyalty, sacrifice, and dedication to the cause of truth, serves as a symbolic figure representing the highest ideals of selflessness and devotion. This paper aims to explore how semiotic analysis can help reveal the multifaceted aspects of his character within the poem "Raaz Rashid" by the contemporary poet Sayyid Hassan Hosseini. Riffaterre's semiotic theory, which emphasizes the relationship between signs and their meanings, is employed to uncover the deeper, hidden meanings of the text, providing insights into the complex imagery and symbolism used to portray Hazrat Abu al-Fadl (AS).

Semiotics, the study of signs and symbols, offers a structured approach to literary analysis by focusing on the relationship between signifiers (words or symbols) and the signified (their meanings). According to Riffaterre, literary texts often

of loyalty and sacrifice. Similarly, body-related terms such as "lip," "cheek," and "spine" are employed to emphasize the personal, physical sacrifices made by Hazrat Abu al-Fadl (AS) in his unwavering commitment to his brother, Imam Hussein (AS). These words are not used merely for their literal meanings but are invested with deeper symbolic connotations that evoke the physical and emotional toll of loyalty and devotion (Makaryk, 2004).

Riffaterre's notion of "descriptive clusters" further enriches the interpretation of the poem by highlighting how different words and phrases come together to form a cohesive symbolic system. In "Raaz Rashid," there are two main descriptive clusters: one centered around loyalty and the other around Hazrat Abu al-Fadl (AS) himself. The first cluster includes words and phrases such as "unbreakable oath," "not drinking from the river," and "broken spine," all of which evoke the character's unwavering commitment to his mission and his selfless sacrifice for the cause of Imam Hussein (AS). The second cluster, on the other hand, focuses on the symbolic representation of Hazrat Abu al-Fadl (AS) as the epitome of loyalty and love. Phrases such as "moon-like," "beloved of the heavens," and "the fragrance carried by the wind" work together to create an image of Hazrat Abu al-Fadl (AS) that transcends his physical presence and elevates him to a divine, otherworldly level. These clusters not only reveal the layers of meaning embedded in the poem but also demonstrate how the poet uses language to construct a rich and multifaceted portrait of the character (Barekat & Eftekhari, 2010).

Another important concept in Riffaterre's semiotic analysis is the idea of "semantic shift," which occurs when a sign or symbol takes on a different meaning or significance from its usual connotation. In "Raaz Rashid," the poet employs this technique to shift the meaning of familiar symbols, creating a new understanding of Hazrat Abu al-Fadl (AS) and his actions. For example, the river, traditionally a symbol of life and sustenance, is reimagined in the poem as a symbol of sacrifice. The scene in which

Hazrat Abu al-Fadl (AS) refuses to drink from the river, even as he is dying of thirst, serves as a powerful metaphor for self-denial and devotion. Similarly, the broken mountain, which traditionally symbolizes strength and stability, is used in the poem to signify the profound emotional impact of Hazrat Abu al-Fadl (AS)'s death on his brother, Imam Hussein (AS). This shift in the meaning of symbols helps to reinforce the central themes of the poem and adds a layer of complexity to the reader's interpretation (Seldon & Widson, 2005).

Riffaterre's theory also emphasizes the importance of "intertextuality," the way in which a literary text connects to and engages with other texts, both within and outside its own tradition. In the case of "Raaz Rashid," the poem is not only a reflection on the life and martyrdom of Hazrat Abu al-Fadl (AS) but also a part of a broader cultural and religious discourse about the values of loyalty, sacrifice, and love. By drawing on well-known symbols and themes from Islamic history and literature, the poem situates the character of Hazrat Abu al-Fadl (AS) within a larger narrative of heroism and spiritual devotion. Through intertextual references, the poem invites readers to draw connections between the figure of Hazrat Abu al-Fadl (AS) and other revered figures in Islamic tradition, creating a deeper sense of meaning and resonance (Azar, 2019).

In conclusion, the application of Riffaterre's semiotic theory to the analysis of "Raaz Rashid" provides a powerful framework for understanding the complexity of the poem's symbolism and the multifaceted portrayal of Hazrat Abu al-Fadl (AS). By focusing on the relationships between signs, symbols, and their meanings, this analysis uncovers the layers of meaning that lie beneath the surface of the text and reveals the deep emotional and spiritual significance of the poem. Through the use of descriptive clusters, semantic shifts, and intertextual references, the poet constructs a rich and multifaceted portrait of Hazrat Abu al-Fadl (AS) as the ultimate symbol of loyalty, sacrifice, and love. This approach not only enhances our understanding of the poem itself but also

contributes to a broader appreciation of the role of semiotics in literary analysis and the power of language to convey complex ideas and emotions. By analyzing the poem in this way, readers are able to engage with the text on a deeper, more meaningful level, gaining insights into the enduring legacy of Hazrat Abu al-Fadl (AS) and the timeless values of loyalty and sacrifice.

References

- Ahmadi, B. (2003). *Structure and interpretation of the text*. Tehran: Markaz Publishing.
- Azar, I. (2019). Application of Michael Riffaterre's semiotics theory in the analysis of the poem "A Night in the Holy Shrine" by Rahy Mo'ayeri. *Scientific Quarterly of Razavi Culture*, 7(28), 59-76.
- Barekat, B., & Eftekhari, T. (2010). Semiotics of poetry: Application of Michael Riffaterre's theory on the poem "O Border of the Land of Gems" by Forough Farrokhzad. *Linguistic Essays*, 1, 109-130.
- Giro, P. (2001). *Semiotics*. Tehran: Agah Publishing.
- Makaryk, I. R. (2004). *Encyclopedia of contemporary literary theory*. Tehran: Agah Publishing.
- Nabilu, A. (2011). Michael Riffaterre's semiotics in the analysis of Nima's "Phoenix" poem. *Journal of Linguistic Research in Foreign Languages*, 1(2), 81-94.
- Payandeh, H. (2008). Critique of the poem "O Humans" by Nima Yushij from a semiotic perspective. *Academy Newsletter*, 4(10), 95-113.
- Riffaterre, M. (1987). *Semiotics of Poetry*. Bloomington: Indiana University Press.
- Seldon, R., & Widson, P. (2005). *Contemporary literary guide*. Tehran: Tarh-e No Publishing.